



۲۰۱۷/۰۹/۲۱

عارف عزیز گذرگاه

ساختمان منازل و کوچه ها نقل از کتاب «یادداشتها و برداشت هایی از کابل قدیم» محترم آصف آهنگ

در شرائط فیودالی، که پیوسته تجاوز و جنگ های قبیله‌ای و قومی و تعرضات بیگانگان پیشبینی می گردید، ساختمان و منازل شاهان و امرا و دارا ها در پشت تپه ها و بلندی ها بنا یافته و تمام وسایل جنگی و دفاعی و خوار و بار و موضوع آب و غیره آن محاسبه می گردید.

از آنرو بالا حصار از زمان رتبیل شاهان تا عبدالرحمن خان پایتخت شاهان و امرای وقت بوده، حصار مستحکم داشته و به اطراف آن خندق وسیع حفر گردیده بود که از طریق جسر که به نام تخته پل یاد می گردید، ارگ را با شهر وصل می کرد و در مواقع خطر پل آن برداشته می شد و اطراف ارگ از آب مملو می گردید که دشمن به جرأت نمی توانست حمله کند.



بالا حصار کابل

همچنان دیوارهای ضخیم و بزرگ در اطراف محله های شهر داشته و دارای تیرکش ها بوده و یکی از دو دروازه داشته که اطراف آن خندق ها کشیده شده بود.

کوچه های شهر ماریچ و تنگ و تاریک و سرپوشیده بود و در بعضی جاها سرگشاده مانند چارسوق ها می بود.

زمانیکه تعرض صورت می گرفت، جوانان به مقابل اعزام می گشتند. زنان و ریش سفیدان، کوچه ها و گذرها و محلات خویش را به نوبت پاسداری و حفاظت می کردند.

کوچه ها طوری اعمار گردیده بود که بیگانگان نمی توانستند به آنجا داخل گردند و حتی راه بازگشت شانرا بدون رهنمای آشنا پیدا نمی توانستند.

در دروازه اشخاص دارا و قدرتمند، وسائل حربی پیش رفته مانند توپ و تفنگ بود این محلات ماها و سالها می توانستند که تا وسائل حربی بدسترس بوده و از لحاظ خوراکه و آب در مضیقه نمی بودند، مقاومت می کردند. زمانی محلات تسلیم می شدند که از نظر خوراکه و آب کمبود احساس می کردند و یا وسائل جنگی ایشان به مصرف می رسید و به دست شان چیزی نمی بود. در طول تاریخ در کشور ما قلعه ها و محلات، هفته ها و ماه ها در محاصره بوده ولی تسلیم نگردیده اند و دشمن مجبور بود که عقب نشینی کند. اما امروز که تانک و طیاره و راکت به میان آمده، این قلعه ها و محلات و کوچه ها ارزش خود را از دست داده اند.

منازل اهالی شهر در شرایط همان وقت و خصوصیات زندگی آنزمان اعمار گردیده، منازل و خانه ها باهم پیوست بوده اند. فرض کنیم یک نفر از یکی از منازل بر بالای بام بر می آمد، می توانست که بام به بام از تخته پل شوربازار به عاشقان و عارفان برسد. چه خانه ها پیوست هم بوده و کوچه ها اکثراً سرپوشیده بودند^۱.

البته ساحه حویلی و ساختمان منازل مطابق استعداد و دارائی اشخاص اعمار شده بود و تمام حویلی ها در وسط قرار داشته و چارطرف آن خانه ها به قسم یک منزله و یا دومنزله و گاهی یک طرف و یا دوطرف و یکی و یا دو طرف آن یک منزله اعمار گردیده بود.

خانه را به نام آفتاب رخ، سایه رخ شرق و غربی یاد می کردند و در بعضی منازل یک منزله، خانه ای که در گوشه جنوبی آن اعمار گردیده بود آنرا به نام مهتابی یاد می کردند.

خانه ها هرگاه یک منزله و یا دو منزله می بود، بالای بام سمتی که به طرف کوچه و یا همسایه ها قرار داشت دیوار باریک که از قد بلندتر می بود اعمار می کردند که به نام تیغه یاد می شد. و طرف حویلی را کتاره می گرفتند که اطفال هنگام بازی از آنجا سقوط نکنند.

در هنگام گرما، عصر ها بام های منازل آبیاشی و جاروب می شد و آنرا فرش می کردند، فامیل شب در بام های منازل شان استراحت می کردند و این بام ها که به طرف حویلی کتاره داشته به نام تخت بام یاد می گردید.

خانه ها برطبق ضرورت کوچک و یا متوسط و بزرگ می بود که به نام های یکدانه ارسی، دو دانه ارسی و سه دانه ارسی، چاردانه ارسی و پنج دانه ارسی یاد می شد.

ارسی ها اکثراً سه پته داشته و بعضی پته ها مخصوصاً پته اول بدون آینه بوده و پته دوم دو دانه آینه و پته سوم دارای یک دانه شیشه ۳۰-۳۰ بوده و بعضی خانه ها از شیشه رنگه استفاده می کردند.

^۱نوت: کوچه های سرپوشیده را دالان می گفتند و کج و پیچ را دیودوی می نامیدند.

اما منازل سرداران و ثروتمندان خیلی وسیع و بزرگ بوده و در ابتداء که دروازه درآمد آن شروع می شد خیلی بزرگ و بلند بوده و در دو گوشه دروازه صفا قرار داشت که به نام کریاس یاد می گردید. و یا شخصی که به دیدن سردار قومی می آمد اطلاع آمدن آنرا می دادند.

بر سر دروازه خانه، اتاق هایی اعمار گردیده بود که جای بود و باش عمله و فعله خان بود. از دروازه که داخل می شدند حویلی بزرگ و کلان به نظر می رسید که طویله اسپ ها و آخورها، هرکاره پهلوانی و خانه های دیگر قرار داشت. پس از طی آن بازهم دروازه بزرگ دیگر پیدا بود که بر سر در آن خانه های قرار داشت که مهمانان را سردار در آنجا ملاقات و پذیرائی می کرد. همین که به دروازه داخل می شدید به دو سه غلام گردشی برمی خوردید. در هر غلام گردشی اتاق و اتاق های خدمتگاران و پیشخدمت ها بود تا داخل حرمسرا می شدید.

ساختمان منازل خوانین و دبیران و قضات و مستوفی ها از بهترین ساختمان های عصر خویش بود. بر علاوه اینکه ساختمان ها چهار اندر چار بوده دولاچه بود و ساختمان این اتاق ها با ساختمان اتاق های مردم عوام فرق کلی داشت. منازل ثروتمندان و اشراف دارای زیرزمینی و سقف های بلند همه گچکاری شده، دروازه ها و ارسی ها همه کنده کاری و یا با قطعات کوچک - کوچک بافت گردیده و سقف اتاق ها از آهن بسیار نازک به قسم میناتور مسطح گردیده بود.

بالای رف ها بهترین چینی های فغفور، جانان، یشم، گردنر به رنگ های مختلف می گذاشتند و بهترین قالین و چالینچه بروی دوشک ها فرش بود. متکاها دارای پوپک از نقره و طلا مزین بود که آنها به تکیه می کردند و یازیر بازوی خود می گرفتند.

بهترین میوه های خوشبو در تیرماه و زمستان با گل نرگس در رف ها و تاق ها گذاشته می شد تا خانه را معطر کند، خانه ها به نام خانه نشیمن، شاه نشین و پس خانه و صدوقخانه یاد می گردید. شاه نشین به اندازه سی تا چهل سانتی متر از خانه نشیمن بلند تر بود و با بهترین فرش ها و اثاثیه مزین بود.

خانه های اشراف، دبیران و مستوفیان و سرداران و قضات دارای حمام بود و مانند حمام های قدیم از سنگ فرش بود و دارای خزینه آب گرم و سرد که «دیگ حمام یاد می شد» و دارای تاوه خانه و آتشیخانه بود که در آن استحمام می کردند.

حویلی آنها مشجر و دارای باغچه گل بود که اقسام گل در حرمسرای و حویلی بیرونی کاشته می شد و در زمستان به گلخانه ها حفظ می کردند.

سرداران و ثروتمندانی که همه جنگجو بودند برطبق سنن مطابق شرایط از همه فنون نظامی آشنا بوده و بر علاوه به شمشیر زنی، اسپ سواری، تیر اندازی و نشان زنی و پهلوانی و چوب بازی مهارت داشتند و برای آموختن آن برای پسران خویش معلم و استاد استخدام میکردند. عارف عزیز گذرگاه لیموژ فرانسه - انتشارات بامیان. انجمن فرهنگ افغانستان

ادامه دارد